



یکشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴ ● شماره ۸۹۱۶

irannewspapper ● irannewspapper ●



نمایش نیکولا

خاطرات یک زندانی روایت رئیس جمهور سابق فرانسه از پشت میله‌های زندان است

خاطرات

راضیه خوینی

گروه کتاب

انتشار کتاب «خاطرات یک زندانی/ Nicolas Sarkozy» اثر نیکولا سارکوزی / Nicolas Sarkozy، رئیس جمهور پیشین فرانسه، موحی از بحث و تفسیر را نه تنها در محافل سیاسی، بلکه در فضای ادبی جهان برانگیخت. این کتاب تجربیات ۲۰ روزه سارکوزی از زندگی پشت میله‌های زندان لاسانته در پاریس است؛ دورانی که به ادعای خودش با نیایش، گفت‌وگو با کشیش و رژیم غذایی ساده گذراند. دلیل اصلی محکومیت او دو پرونده قضایی مهم بود. اول، پرونده تأمین مالی غیرقانونی کمپین انتخاباتی‌اش از سوی معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی در سال ۲۰۰۷. دوم، محکومیت در دادگاه بدوی در ۲۵ سپتامبر سال جاری به اتهام «تشکیل باند تبهکار» که منجر به صدور حکم ۵ سال زندان او شد. این پرونده به سال ۲۰۱۲ و آژانس ارتباطاتی بیگمالیون برمی گردد که وظیفه سازماندهی تجمعات متعدد کمپین انتخاباتی او را داشتند. هدف از این مانور، پنهان کردن هزینه‌های هنگفت انتخاباتی فقط ۲۰ روز از این ۵ سال را به صورت فیزیکی در زندان گذراند و البته دادگاه دیگری برای رسیدگی به تخلفات او برگزار خواهد شد. این خاطرات سه هفته‌ای را سارکوزی هفتاد ساله در قالب کتابی ۲۱۶ صفحه‌ای نوشت و روز ۴ آذر سال جاری منتشر کرد. منتقدان می گویند او اهداف بزرگی را با این روایت ساده دنبال می کند؛ روایت مردی که خود را نه یک سیاستمدار شکست خورده، بلکه انسانی تنها، زخم خورده و بی دفاع در برابر دآوری مردم و دستگاه قضایی می بیند. او در این نوشتار، چهره‌ای تازه از خود به نمایش می گذارد: مؤمن رنج کشیده و اصیل که میان واقعیت سیاست و حقیقت درونش سرگردان است. شاید به همین دلیل «خاطرات یک زندانی» تنها یادداشت‌های روزانه یک زندانی نیست، بلکه آلبومه‌ای از جدال میان قدرت، وجدان و تنهایی است. همین تضادها سبب شده‌اند انتشار این کتاب به جنجالی ترین رویداد سیاسی و ادبی سال فرانسه بدل شود و پژواکش فراتر از مرزها برود و خوانندگان زیادی را درگیر یک پرسش کند: «آیا این اعتراف نامه است یا روایت هنرمندانه برای آزادی؟» همین ترکیب متضاد، میدان گسترده‌ای برای تفسیر گوناگون در رسانه‌ها ایجاد کرده است؛ از نگاه‌های موافق گرفته تا تحلیل‌های کنایه آمیز و طنز.

تلاش برای تطهیر خود

پاسکال تئوژیه، خبرنگار و منتقد ادبی در روزنامه «لوی/ la vie» بلافاصله به انتشار این کتاب واکنش نشان داد و با برجسته کردن اعتقادات او نوشت: «سارکوزی به محض ورود به سلول ۱۲ مرتب‌ری عیزه افراد خاص در لاسانته، با نوعی مواجهه درونی روبه روه شده و کنایش از همان لحظه آغاز می شود. لحظه‌ای که در آن، صدای پای نگهبان و پیچیدن صدای همه هم در محوطه باریش حکم گشودن دروازه‌ای به جهانی تازه را دارد؛ جهانی که او برای اولین بار در جایگاه فردی بی قدرت می ایستد و دعا را به عنوان تنها راه مقاومت کشف می کند.»

تورنیه استدلال می کند سارکوزی پیش از ورود به زندان، کتاب زندگینامه «عیسی/ Jésus» نوشته ژان کریستین پتی فیلز/ Jean-Christian Petitfils را همراه برد؛ چرا

خاطرات و اعترافات مرد سیاسی

نیکولا سارکوزی، متولد ۲۸ ژانویه ۱۹۵۵، رئیس جمهور پیشین فرانسه از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ است. او سال‌ها پس از ترک قدرت با انتشار کتابی جدید، چهره‌ای متفاوت از خود به نمایش گذاشت؛ سیاستمداری که اکنون بیش از هر عنوانی به نویسنده‌ای پرکار شباهت دارد. در آتش، سیاست به خاطر بدل شده و خاطرات به اعتراف. او نخستین گام در این مسیر را سال ۲۰۰۴ با کتاب «جمهوریت، ادیان، امید/ Les République, les religions, l'espoir» از سوی «انتشارات سرف» برداشت؛ کتابی مبتنی بر گفت‌وگوی فلسفی درباره رابطه ادیان و جمهوریت که رگه‌هایی از نگاه اخلاق مدار یک وزیر برای آشتی دادن این مباحث با هم را آشکار می سازد.» سارکوزی پس از سال‌ها سکوت، سال ۲۰۲۰ با «اشتیاق ها/ Passions» از انتشارات ژلو/ ai la بازگشت؛ کتابی پرحرارت

که نشانه‌های روشنی از تصمیمی آگاهانه برای بازآفرینی تجربه زندان نه به عنوان حادثه‌ای معمولی، بلکه به عنوان رویدادی خاص در کتابش دیده می شود، مانند آنچه در کتاب عیسی خوانده‌ایم. این انتخاب باعث شده منتقدان بگویند او می خواهد خودش را بی گناه جلوه بدهد؛ مانند مرد آزاده‌ای که ناعادلانه به صلیب کشیده شد. به همین دلیل لحظات دعا و نیایش خود در زندان را مفصل شرح داده است. این روزنامه نگار ادامه می دهد: «در فضای رسانه‌ای فرانسه، اعتقادات و الهاماتش در این کتاب به سرعت مورد توجه قرار می گیرد. سارکوزی بارها از «طاقت تقدیر»، «نشانه‌های کوچک» و «محبت پروردگار آمرزنده» سخن می گوید. در روایت او، هر صدای ناگهانی، هر نور ضعیف چراغ و هر لحظه خلوت، معنا و پيامی تازه پیدا می کند.»

پاسکال تئوژیه توصیف سارکوزی از زندان را در ابتدای کتاب با جزئیاتی حیرت‌انگیز و مضحک برجسته می کند. سارکوزی شگفت زده است که همه چیز در زندان خاکستری است؛ سلول‌های کوچک، سالن بدستاری کوچک تر و حیاطی که با توری محصور شده. از نظراین روزنامه نگار جای تعجب است که رئیس جمهور یک کشور هرگز از زندانی که برخی شهروندان در آنجا محبوس اند بازدید نکرده باشد.

اعتراف نامه متکبرانه با رنگ عوام‌فریبانه

از نگاه برخی منتقدان، این معنویت سازی، نه نشانه اعتقادات، بلکه تلاشی حساب شده برای خلق تصویری مسیحایی از خویش است. نلی کارپیلیان در مجله «اینراک/ les Inrocks»، این نشانه سازی‌ها را بخشی از استراتژی او برای ساختن قهرمانی بی گناه از خودش دانسته که در برابر بی عدالتی سر فرود نمی آرد.

کارپیلیان، کتاب سارکوزی را سلسله‌ای از یادداشت‌های طولانی و خسته کننده از تسویه حساب‌ها و مواضع سیاسی نگران کننده خواند و نوشت: «از همان ابتدا، نیکولا سارکوزی می گوید این کتاب اعتراف نامه است. بدون شک، عبارات آن تا حدود متکبرانه و قدیمی و به سبک نویسندگان قرن هجدهمی همچون ژان ژاک روسو است.» کارپیلیان یادآور می شود سارکوزی هرگز یک کاتولیک سختگیر و معتقد نبوده، اما همیشه از ارجاع به ریشه‌ها و هویت مسیحی خود برای مشروعیت بخشی به سیاست‌هایش بهره برده است. این کتاب هم ادامه شیوه قدیمی اوست: «نقل دیدار با روحانی زندان، حضور در عشا ربانی، نیت سفر و زیارت «مکان مقدس بانوی شهر لورده» و اشاره‌های مکرر به ریشه‌های مسیحی فرانسه. کارپیلیان نتیجه می گیرد این کتاب بیش از آنکه تأملات فردی باشد، تلاشی برای بازگرداندن مسجیت به قلب هویت راست‌ها و تطهیر این جناح است؛ دقیقاً در زمانی که راست افراطی با این ابزار، در حال گسترش نفوذ سیاسی خود در فرانسه و اروپاست.»

تناقض بازی سیاست و زندان

ویولت لازار و ونسن مونیه از نشریه «ل‌اینراک» نگاه

متفاوتی ارائه داده‌اند. بزرگ ترین مشکل این کتاب در نمایشی است که نویسنده مدعی نفی آن است؛ بازی اتلاف با راست افراطی در زیر چتر انکار. وقتی نیکولا سارکوزی از درون زندان برای قدرانی با مارین لوپن، یکی از رهبران جناح راست افراطی (بنیانگذار حزب ملی گرا) و نامزد ریاست جمهوری سابق تماس می گیرد، لوپن از او می پرسد: «آیا حاضرید با یکی از جبهه های جمهوری خواه ائتلاف کنید؟» سارکوزی پاسخ می دهد: «خیر.» از نگاه بسیاری تحلیلگران، این «نه»، بیش از یک موضع سیاسی است و آن را نقطه عطفی در تاریخ جناح راست فرانسه دانسته اند. چراکه سارکوزی در حمایت از سوسی اول شخص تلاش می کند خود را به مردی مستقل، کمی ساده دل، مبارز و شجاع نشان دهد؛ به قول خودش، «مردی سرافرازمند، فارغ از هر ایدئولوژی که انسان‌ها را صرفاً بر اساس ارزش‌های آنها می سجد. از هر جمله این روایت، بوی فرصت طلبی سیاسی به مشام می رسد. در بخشی از کتابش نوشته: «توهین به رهبران حزب «تجمع وطنی» در واقع توهین به رای دهندگان آنها و توهین به مردم است. با تحقیر فرانسوی ها نمی توان فرانسه را فتح کرد. تشکیلات سیاسی من دیگر در موقع حاضر نیستند و دست کم در حال حاضر، نمی تواند به تنهایی مدعی ترسیم آینده باشد. حتی برای رسیدن به دور دوم انتخابات با دشواری روبه رو خواهد بود و برای این صعود تضمینی نیست و مسیر بازسازی طولانی خواهد بود.»

او کتابش را با اشاره‌ای به امیل زولا و رنج انسان‌ها همچنین یادآوری لور (مکان زیارتی و مقدس فرانسوی‌ها)، به پایان می رساند؛ باز هم سخن از جان باختن در راه وطن و دردمندان. اما رئیس جمهور سابق که طعم زندان چشیده، نتیجه می گیرد اکنون زندگی اش را با نگاهی دیگر و با اعتقادات بیشتر، از سر خواهد گرفت؛ آنچه که دقیقاً در تضاد با روح حاکم بر این کتاب است.

برخی منتقدان می پرسند: «اما ماجرای تأمین مالی کمپین ریاست جمهوری او توسط قذافی چه می شود؟ یعنی همه دروغ بود؟» برخی هم این کتاب را شرح نمرات خوب و بد به دیگران می دانند؛ روندی خسته کننده با پس زمینه یک برنامه سیاسی منجمد کننده و هدفمند.

پروژه از پیش تنظیم شده

لازار و مونیه همچنین سرعت عجیب انتشار این کتاب را زیر سوال برده‌اند: «تنها بیست روز پس از آزادی سارکوزی، کتاب ۲۱۶ صفحه‌ای او، در تیراژی عجیب منتشر شد. سارکوزی روزی هفت تا هشت ساعت دائم می نوشته و هنگام ملاقات‌ها یادداشت‌ها را لای پرونده‌ها می گذاشته و به وکلایش می داده. این سرعت انتشار باعث شده به او لقب «نویسنده ابرصوت» بدهند.

این کتاب در واقع پروژه‌ای از پیش تنظیم شده برای بازنویسی ماجرای سارکوزی است؛ پیش از آنکه دادگاه و رسانه‌ها روایت دیگری بنویسند. سیلویون چازو در روزنامه «لیبراسیون / Libération» با نگاهی طنز و گزنده، بخش دیگری از روایت را برجسته کرد: «شکایت‌های سارکوزی از تشک سفت زندان، نور کم، سروصدای مداوم و نبودن آرامش، نوعی طنز تاریخی است.» چازو می نویسد: «سارکوزی زمانی که وزیر کشور بود، زندانیان‌ها را به سختگیری بیشتر سوق می داد و در سخنانش از «سخت تر شدن شرایط بازداشت‌ها و زندان‌ها» می گفت. حالا او که روزگاری زندانیان را «نازپرورده» می نامید، از سفتی تشک‌های زندان و سکوت دست نیافتنی آن می نالد. سارکوزی بالاخره فهمید زندان، هتل نیست.

در روایتی دیگری از منتقدان نوشته: «این کتاب فراتر از تجربه شخصی، شبیه دفترچه حساب کشی سارکوزی از دشمنانش و تمجید از دوستانش است. جهان او به دو بخش خلاصه شده: کسانی که با او موافقت و دشمنانش. در این تقسیم بندی، امانوئل مکرون رئیس جمهور فعلی فرانسه بیش از همه مورد سرزنش قرار می گیرد. سارکوزی نوشته: «چهار روز پیش از به زندان افتادتم، به الیزه رفتم و با مکرون دیدار کردم، اما احساس کردم این دیدار ادای وظیفه‌ای اداری است، نه یک حمایت سیاسی.» او همچنین تصمیم مکرون برای انحلال مجلس را هوس توصیف کرده و این دیدار را نقطه پایان دوستی شان.

حمایت از راست افراطی

سارکوزی در کتابش به صراحت نوشته: «راست افراطی تهدیدی برای جمهوریت نیست و حذف آن اشتباه است. این خط فکری از بین بردن سد روانی میان راست میانه و راست افراطی را رسانه‌های ویسنت پولور سال‌هاست که دنبال می کنند. پولور چهره شناخته شده راست افراطی و نامزد ریاست جمهوری فرانسه است و نکته مهم درباره این کتاب ناشر آن است. زیرآ انتشارات «فایار» بخشی از امپراتوری رسانه‌ای پولور است. ابراز نارضایتی دائمی سارکوزی از دستگاه قضایی فرانسه نیز در صفحه‌های مختلف این کتاب جلب توجه می کند. او قنات را هات‌های «بی چهره و غیر پاسخگو» می نامد که در پی «ویران کردن زندگی او» هستند. او مقام با چمالتی را رنگ بویی خطابه بر «بی گناهی کامل» خود تأکید می کند. مانند: «تا آخرین نفس می جنگم.» سارکوزی لحنه‌های تلخی را روایت می کند: «تاوانی از تماشای آسمان، لندگی برای برگ‌ریزان پاییز، بودن در زندان خاکستری، این تصویرسازی‌های ادبی، منتقدانی مثل سیلویون چازو در روزنامه «لیبراسیون» را به ستوه آورده است: «گویا سارکوزی تصمیم گرفته رنج کوتاهش را با تقلید از نویسندگان بزرگ، با تعبیری شاعرانه و فلسفی بیارابد آن را حماسی جلوه دهد. سارکوزی با جملات فلسفی، زندان را به صحرای تشبیه کرده؛ زیبا، اما بیش از حد حساب شده و نمایشی.» چازو واکنش‌ها به انتشار این کتاب را دوگانه توصیف کرده: «بسیاری از هوادارانش از رای دهندگان حزب محافظه کار و راست میانه، با شور و اشتیاق آسمان، شجاعت و اسخن می گویند و حکم علیه او را اسندی از بی عدالتی قضایی می دانند. در مراسم افضای کتاب «خاطرات یک زندانی»، لنرهای دوربین‌ها صف‌های طولانی را به تصویر کشیدند و مردم هزاران پیام حمایت برای او ارسال کرده‌اند. اما منتقدانش نیز پرشمار و گاهی خشن هستند و کتاب سارکوزی را نوعی خودشیفتگی بی پایان می اندن. برخی نیز با طنز گفته‌اند این خاطرات بازجوی همراه طرف‌های ماست در سوپرمارکت‌ها برای تبلیغات توزیع می شوند.»

با کنار هم گذاشتن همه روایت‌ها از «لوموند» گرفته تا «لیبراسیون»، از تحلیل سیاسی ل‌اینراک تا برداشت‌های رسانه‌های طرفدار سارکوزی، می توان به این جمع بندی رسید

که «خاطرات یک زندانی» کتابی درباره زندان نیست بلکه تلاش برای ساختن چهره‌ای مظلوم، معتقد، مقاوم و درعین حال قربانی یک توطئه است

اسطوره سازی با نقاب رسانه‌ای

قدرت رسانه‌های ونسان پولوروه را نیز نباید نادیده گرفت؛ تبلیغات سنگین برای این کتاب، دعوت بی دریغی سارکوزی به برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی تحت مالکیت پولوروه و لحن کوبنده‌گان این رسانه‌ها، همگی حاکی از تلاشی سازمان یافته برای بازسازی چهره خدشه دار رئیس جمهور پیشین است. در این فضای دوگانه، برخی تحلیلگران نوشته‌اند زندان برای سارکوزی بیش از آنکه مجازات باشد، فرصتی برای قهرمان سازی از خودش با هدف بازگشت به عرصه قدرت و سیاست است.

با کنار هم گذاشتن همه روایت‌ها از «لوموند» گرفته تا «لیبراسیون»، از تحلیل سیاسی ل‌اینراک تا برداشت‌های رسانه‌های طرفدار سارکوزی، می توان به این جمع بندی رسید که «خاطرات یک زندانی» کتابی درباره زندان نیست بلکه تلاش برای ساختن چهره‌ای مظلوم، معتقد، مقاوم و درعین حال قربانی یک توطئه است. این کتاب سیاسی است، درباره باطرارحی جناح راست افراطی فرانسه، درباره فاصله گرفتن از مکررون، درباره کنترل کردن نگاه‌ها و روایت‌های مردمی، درباره دادگاهی که پیش روست و آینده‌ای که سارکوزی هنوز به آن امید دارد. چه از مسیر سیاست و چه از طریق ادبیات، نیکولا سارکوزی شخصیتی غیرقابل حذف در صحنه عمومی فرانسه است. پس از کتاب «زمان طوفان‌ها»، او حالا با «خاطرات یک زندانی» نه به عنوان قهرمان، بلکه به عنوان رایی که سقوط انسانی، در صدر خبرها قرار گرفته است. یکی از هواداران او در جشن امضای کتابش در کتابفروشی لامارتین گفت: «ممکن است درباره سارکوزی انتقادات و قضاوت‌هایی داشته باشیم، اما هرگز نمی توان از خواندن کتابش دست کشید.»

نیکولا سارکوزی در مراسم افضای کتاب جدیدش در کتابفروشی Librairie de la Presse در متون فرانسه، روز ۱۲ دسامبر ۲۰۲۵



کتاب

از میان سایه‌ها

افشاگری های سیسیلیا آتیاس

همسر سابق سارکوزی در کتاب میل به حقیقت

در میان چهره‌های سیاسی و رسانه‌ای فرانسه، کمتر زنی مانند وی توانسته مسیر زندگی شخصی و عمومی‌اش را چنین آشکار و در عین حال پرابهام روایت کند. او نه تنها به عنوان همسر سابق نیکولا سارکوزی، بلکه به عنوان زنی با قلمی مستقل توانسته از زیر سایه‌های قدرت و رسوایی به سوی روشنایی نویسنندگی گام بردارد. کتاب‌هایش همچون آینه‌ای چندوجهی از زندگی، عشق، سیاست و رهایی هستند؛ روایتی از یک زن که زمانی بانوی اول فرانسه بود؛ ولی تصمیم گرفت داستان زندگی‌اش را خودش بنویسد، نه دیگران.

از عشق ممنوعه تا بانوی اولی

روایت حضور سیسیلیا در ذهن مردم فرانسه با داستان عشق پنهان و غیرقانونی او آغاز شد؛ عشقی که باعث رسوایی و متارکه هر دو طرف پس از مدتی شد. نیکولا سارکوزی، متاهل، سیاستمدار، شهردار جاه طلب و پرنرزی شهر نوی سور-سِن و سیسیلیا، همسر ژاک مارتین، مجری پراوازه تلویزیونی بود. رابطه عاشقانه سارکوزی و سیسیلیا آتیاس که رسانه‌ها آن را یک رسوایی خواندند؛ زمانی آغاز شد که سارکوزی دو فرزند داشت و ماری-دومینیک کولیولی همسر رسمی‌اش بود. پس از هفته‌ها ملاقات مخفیانه، این رابطه پنهانی و غیررسمی سرانجام در یک تعطیلات لو رفت. این دیدارهای پنهانی، افشاگری‌های رسانه‌ها و نهایتاً علنی شدن رابطه‌شان، سرازار یکی از جنجالی ترین و بحث برانگیزترین ماجراهای عاشقانه در عرصه سیاست فرانسه بود. اما آنچه در کتاب‌های سیسیلیا آتیاس ثبت شده، نه بازتاب رسوایی‌اش، بلکه شرحی انسانی از تجربه زنی است که در میان قدرت و احساس، بین شهرت و حقیقت، باید انتخاب می کرد. او در مصاحبه‌ای گفته بود: «من ساده‌ام، اما زندگی‌ام پیچیده بود». همین جمله، شاید کلید درک نوشته‌های او باشد.

کتاب «میل به حقیقت/ Une envie de vérité» که سال ۲۰۱۴ منتشر شد، نخستین تلاش او برای بازگرداندن روایت زندگی‌اش به روایت خودش بود. او در ۳۲۰ صفحه، از کودکی شادش و ازدواج اولش با ژاک مارتین تا آشنایی با نیکولا سارکوزی و ورودش به قلب قدرت سیاسی فرانسه و زندگی شان در تالارهای مجلل الیزه نوشته است. او ماجرای جدایی‌اش و ازدواج دوباره‌اش با ریچارد آتیاس، تاجر موفق و سفارش به سراسر جهان برای کمک به دیگران را روایت هم کرده؛ داستانی موجز از زنی که همیشه در خط مقدم تغییرات ناگهانی بوده است. اما فراتر از خاطرات، این کتاب نوعی بیانیه زنانه برای استقلال در این کشور اروپایی است. سیسیلیا تلاش می کند از روابط و جدایی‌هایش تصویری تازه بسازد: زنی بانگیزه، بشردوست، فعال در کمک‌های بین المللی و همزمان مادری که به آزادی به عنوان ارزش نهایی می نگرد. او در فصل هایی از کتاب از مأموریتی برای آزادسازی پرستاران بلغاری از زندان ذقانی سخن می گوید؛ مأموریتی که به او جایگاهی جهانی بخشید و ثابت کرد قدرت نرم، تنها در دستان سیاستمداران حرفه‌ای نیست. لحن او در این اثر صادقانه و گاهی مانند اعتراف است: «لحنی که در پی تطهیر خویش نیست، بلکه دنبال بازپس گیری پیکر زنی است که رسانه‌ها با تصویرهای اقصی ترسیمش کردند. «من زنی نیستم که فقط محبوب رئیس جمهور باشم» او می نویسد: «من فقط زنی‌ام که می خواست خودش باشد.»

پنج سال بعد، سیسیلیا دوباره به میدان بازگشت، این بار در قالب اثری دوجلدی در گفت و گو با پسرش لویی سارکوزی. کتاب «میل به اختلاف نظر/ Envie de dé» و «accords» (۲۰۱۹) فراتر از مجموعه‌ای از گفت وگوها؛ برخوردی اندیشمندانه میان دو نسل است. این مادر و پسر، در

قالب بحث‌هایی پرشور، درباره دین، نقش زنان، تغییرات اقلیمی، سیاست، رسانه‌ها و اخلاق عمومی بحث می کنند. این کتاب در واقع مانیفستی برای تفکر شخصی در دوران شبکه‌های اجتماعی است. سیسیلیا در این اثر از تجربه خود در نظام قدرت و رسانه می گوید و هشدار می دهد جامعه مدرن، در هیاهوی اطلاعات، بیشتر از همیشه نیازمند «اختلاف نظر سازنده» است. لویی از سوی مقابل، با زبان نسل جدید با مادرش جدل می کند. این شکاف گفت‌وگو به درک متقابل طرفین می انجامد. تأکید سیسیلیا بر گفت‌وگو بین نسل‌ها، شاید در امتداد همان روحیه آزاداندیشی او باشد که زمانی باعث شد در اوج ریاست جمهوری همسرش، از نقش سنتی بانوی اولی و همسری رئیس جمهور فاصله بگیرد و مسیرش را خودش تعیین کند. آثار این زن فقط به یک خودزندگینامه یا گفت‌وگوی فلسفی خلاصه نمی شود؛ بلکه دو بُعد از یک زن را نشان می دهد: زنی که در دل قدرت زیسته و زنی که از قدرت فاصله گرفته تا معنا را جست و جو کند.

چهره‌ای در آینه رسانه‌ها

در کنار آثار خودش، چهره سیسیلیا در کتابی با عنوان «Cécilia» نوشته آنا بیتون (۲۰۰۸) نیز بازتابی شده است؛ روایتی نیمه روزنامه نگارانه، نیمه روان شناختی از زنی که زیبایی، خشم، وابستگی و استقلال را هم زمان دارد. بیتون او را «زنی نمادین» توصیف می کند؛ کسی که ترکیب ظرفناکی از جاذبه و نافرمانی است. اما در سال‌های بعد، خود سیسیلیا در مصاحبه‌ها با لحنی تند و بی پرده درباره نیکولا سارکوزی سخن گفت: «او مردی زن باره است که هیچ کس را دوست ندارد، حتی فرزندان را.» این جمله‌هایش در کتاب بیتون هم بازتاب یافته‌اند و مرز میان اعتراف و تسویه حساب را در ذهن خواننده مبهم می گذارد. آیا او زنی است که عواطفش جریحه دار شده تا حقیقت را فریاد برزد، یا شخصیتی که از بازنمایی رسانه‌ها خسته شده است؟ پاسخ را شاید در کتاب خودش بیابیم؛ جایی که سیسیلیا، نه در مقام قربانی، بلکه در مقام زنی ظاهری می شود که تجربه‌اش را به درسی آموزنده تبدیل کرده است. او در کتابش از آتش می در آن سوخت، نوری برای دیگران می سازد. مرور آثار سیسیلیا آتیاس، چشم اندازی از تحول یک نظیر در زندگی زنی می کشاید که از همسر افراد مشهور تا فعال حقوق زنان و نویسنده‌ای مستقل راه پیموده است. او در طول دو دهه گذشته بارها مورد قضاوت، انتقاد و تمسخر قرار گرفته است. اما هر بار با آرامشی خنداک از میان توفان جنجال‌ها و شایعات برخاسته است تا بگوید هیچ زنی را نباید صرفاً از زاویه روابطش توصیف کرد.



تاریخ، به این ترتیب می توان مجموعه نوشته‌های سارکوزی را نقشه راهی دانست از قدرت تا فروتنی. از «جمهوری، ادیان و امید» تا «دفتر خاطرات یک زندانی»، او از سیاستمداری فکور به راوی توفان‌های شخصی بدل شده؛ مردی که پس از سقوط، قلم را نه برای دفاع که برای درک خویش به کار گرفت.

۸۰۰ صفحه‌ای در تاریخ (۲۶ فوریه ۲۰۲۵، انتشارات لیور-ژبوش) که جلد دوم خاطراتش بود به عرصه نویسندگی بازگشت؛ کتابی که ادامه ماجراهای او پس از ترک قدرت، نبردهای قضایی و ایستادگی در برابر فشار رسانه‌هاست. این عنوان، استعاره‌ای مستقیم از مردی بود که همواره در حال جنگ بوده؛ با مخالفان، با قضاوت، با